

حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها)

بهبخت یزدخواستی^۱، صمد عدلی پور^۲

الهام کیخانی^۳

چکیده

دغدغه‌های فزاینده نسبت به حفظ و ارتقای امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و عادلانه در سطوح ملی و فراملی، اهمیت گفتگو را به‌طور بی‌سابقه‌ای مهم کرده است. به همین دلیل، عوامل و زمینه‌های مؤثر بر گفتگو موضوع پژوهش‌های گوناگون قرار گرفته است. از جمله این عوامل، شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

هدف نوشتار حاضر، مطالعه تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگو میان فرهنگ‌ها در حوزه عمومی مجازی است. در این چارچوب، استدلال می‌شود که هر چند ارتقای امکان برقراری ارتباط و دادوستد اطلاعات امکان گفتگو را ارتقا می‌دهد، محدود و مخلوش‌کننده آن هم است. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط با این‌گونه فناوری‌ها ناشی می‌شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی هم گفتگو میان فرهنگ‌ها را مخلوش می‌کند. در واقع شبکه‌های اجتماعی مجازی، به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخلوش می‌کنند.

واژه‌های کلیدی

حوزه عمومی، گفتگو، گفتگوی میان فرهنگ‌ها، فضای مجازی، شبکه‌های

اجتماعی مجازی

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۷

B.yazdkhasti@Ltr.ui.ac.ir

Samadazar78@yahoo.com

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

امروزه تحولی گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً متفاوتی از مفهوم و عملکرد تأثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را تحول انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایمی جدید در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه حیرت‌آور رسانه‌های نوین در جهان امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته و مهم‌ترین شکل و آشکارترین محصول آن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

در این میان، آثار و پیامدهای سیاسی و فرهنگی فناوری‌های مورد بحث، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، نیز اهمیت و موضوعیت یافته است. پژوهشگران علاقه‌مند و فعال این حوزه پژوهشی می‌کوشند به پرسش‌های مختلفی درباره تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر دموکراسی، دولت، جنسیت، قومیت، هویت و دیگر نهادهای تعیین‌کننده زندگی سیاسی پاسخ دهند. به بیان دیگر، آنان می‌خواهند به بررسی این موضوع بپردازند که چنین فناوری‌هایی چه امکانات و محدودیت‌هایی برای زندگی سیاسی سالم‌تر به‌ویژه از لحاظ تعدیل و تحدید عوامل محدود و مخدوش‌کننده ارتباطات کلامی، میزان پایبندی به قواعد دموکراسی و حقوق بشر به وجود می‌آورند.

پرسشی که موضوع بحث نوشتار حاضر است، به یکی از شاخص‌های زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سالم و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن مربوط می‌شود: شبکه‌های اجتماعی اینترنتی چه تأثیری بر امکان و وضعیت حوزه عمومی، گفتگو و گفتگو میان فرهنگ‌ها می‌گذارند؟ آیا این دسته از فناوری‌ها بستر مناسب

❖ برای گفتگوی فرهنگ‌ها فراهم می‌کنند یا موانع و محدودیت‌هایی در برابر آن به وجود می‌آورند؟

پاسخ موقتی و اولیه به پرسش بالا این است که شبکه‌های اجتماعی مجازی، حوزه عمومی، گفتگو و گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. در واقع عامل سامان‌بخش داده‌ها و هدایت‌کننده استدلال‌های بحث حاضر، این فرضیه است که شبکه‌های اجتماعی، به واسطه ایجاد حوزه عمومی دارای برخی ویژگی‌ها، گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند.

البته این فرضیه معطوف به تأثیر منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها، به معنای نفی آثار مثبت آنها نیست. در واقع شبکه‌های اجتماعی اینترنتی امکان بسیاری برای گفتگو و گفتگو میان فرهنگ‌ها به وجود می‌آورند. برای مثال این شبکه‌ها با فراهم کردن امکانات بی‌سابقه‌ای برای بازتولید بی‌هزینه، پخش یا انتشار هم‌زمان و تمرکززدایی بنیادی، حوزه عمومی و گفتگو میان فرهنگ‌ها را بیش از پیش آسان‌تر می‌کنند.

در مقاله حاضر به رغم آگاهی از آثار مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی، تنها آثار منفی و محدودکننده این شبکه‌های مجازی را بر حوزه عمومی و گفتگو میان فرهنگ‌ها بررسی خواهیم کرد.

تعریف مفاهیم

شبکه‌های اجتماعی مجازی

به‌طور کلی در تعریف شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان گفت، سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت، ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه

❖ می دهند (سلطانی فر، ۱۳۸۹: ۵۳). شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند.

حوزه عمومی مجازی یا سایبراسپیس^۱

واژه سایبراسپیس یا فضای مجازی اولین بار در سال ۱۹۸۴ در رمان علمی-تخیلی ویلیام گیسون^۲ با نام نیورومنسر^۳ مطرح شد. این اصطلاح برای توصیف فضای خیالی به کار برده می‌شد جایی که در آن واژه‌ها، روابط، داده‌ها، ثروت و قدرت از طریق ارتباطات و به واسطه کامپیوتر پدیدار می‌شدند (Vrooman, 2002: 1).

با وجود اینکه درباره ریشه و منشأ فضای سایبرنتیک کمتر شک و شبهه‌ای وجود دارد، درباره مفهوم و معنای این واژه، در میان اندیشمندان اختلاف بسیار است. با این وجود شاید بتوان سه تعریف جزئی زیر را به مثابه تعریف به نسبت جامع و مانع فضای سایبرنتیک پذیرفت:

۱. فضای روانی - خیالی که در آن افکار، مجذوب توهمی رویاگونه می‌شود؛
۲. دنیای مفهومی تعامل شبکه‌ای شده بین افراد و آفریده‌های معنوی و هر چیز همراه با چنین شبکه‌ها و تعامل‌هایی؛
۳. حالتی از اندیشه که توسط افراد در ارتباط و به وسیله بازنمایی‌های دیجیتال زبان و تجربه حسی، به اشتراک گذاشته می‌شود. افرادی که به دلیل وجود زمان و مکان، از یکدیگر جدایند ولی به وسیله شبکه‌هایی از ابزار فیزیکی دسترسی، به یکدیگر متصل‌اند (دوران، ۱۳۸۶: ۳۸ - ۳۷). در واقع فضای مجازی در معنا به

1. Cyberspace
2. William Gibson
3. Neuromancer

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود (خانی‌جزنی، ۱۳۸۸: ۱۶). فضایی که این‌گونه ایجاد می‌شود، فضایی است بسیار فراخ و هر فرد یا گروه، در صورت دارا بودن زمینه‌ها و ابزارهای لازم، می‌تواند به درون آن راه یابد. پس این فضا در واقع نوعی حوزه عمومی است که هابرماس^۱ آن را چونان قلمرو مکالمه یا گفتگوی فارغ از زور و اجبار و معطوف به یک توافق عملی تعریف می‌کند. در نوشتار حاضر، سایبراسپیس را نوعی حوزه عمومی می‌دانیم ولی از نوع مجازی نه واقعی که به همین علت، ورود به آن و گفتگو در درون آن با حوزه عمومی واقعی متفاوت است.

گفتگو و گفتگوی میان فرهنگ‌ها

در تعریف گفتگو میان فرهنگ‌ها باید گفت که معنایی فراگیر از این مفهوم را مدنظر داریم. اگر گفتگو را هرگونه تبادل معنا یا نشانه‌های معنایی بدانیم، گفتگو میان فرهنگ‌ها یعنی هرگونه تبادل یا دادوستد اجزا و عناصر فرهنگی متعلق به فرهنگ‌های مختلف که همراه است با:

۱. آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی یا وجود فرهنگ‌های گوناگون و پرشمار؛
۲. نقد و نقدپذیری فرهنگی؛
۳. همزیستی و آمیزش فرهنگی (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۹).

به بیان دیگر، دادوستدها یا مبادله‌هایی مصداق گفتگوهای فرهنگی هستند که میزان آگاهی از وجود فرهنگ‌های دیگر، نقد و نقدپذیری فرهنگی و همزیستی و آمیزش فرهنگی را افزایش دهد.

1. Habermas

شبکه‌های اجتماعی مجازی مکانی برای شکل‌گیری حوزه عمومی

اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را گفتگو و افکار عمومی و واکنش بدانیم، شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه یک رسانه جدید، بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از آنهاست. افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود بپردازند و از این طریق افکار عمومی به‌عنوان صدای مردم شکل بگیرد و هر یک می‌توانند در مخالفت با یک مسئله و موضوعی اجتماعی و سیاسی دست به کنش مناسب بزنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

تورنتون^۱ جنبه‌های مؤثر این رسانه‌های نوین را بر حوزه عمومی چنین برمی‌شمارد:

۱. توانایی گروه‌های ذی‌نفع کوچک برای یافتن یکدیگر و برقرار کردن ارتباط؛
۲. توانایی افراد و گروه‌های کوچک برای معرفی خود و ارائه نقطه‌نظراتشان به یکدیگر؛
۳. دسترسی آسان به دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات گوناگون؛
۴. بقا و ماندگاری مواد و اطلاعات در اینترنت؛
۵. تعاملی بودن که باعث شکل‌گیری ارتباط دوسویه بین فرستنده و دریافت‌کننده می‌شود (همان: ۱۲۳).

تعاملی بودن، یکی از مهم‌ترین امکانات رسانه‌های نوین است. اینترنت ویژگی‌های خاصی دارد و امکان برقراری ارتباطات و تعامل جهانی را ایجاد می‌کند و با این کار به‌عنوان ابزاری برای ساخت شبکه به‌کار می‌رود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۰).

تعاملی بودن یا در واقع کنش متقابل بر سه نوع است:

۱. کنش متقابل رودررو؛
۲. کنش متقابل با واسطه؛

1. Thornton

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

۳. شبه‌کنش متقابل با واسطه که بیشتر نوعی مونولوگ است و در آن رسانه اطلاعاتی را برای دریافت‌کنندگان بالقوه می‌سازد. رسانه‌های نوین، امکانات موجود در همه این سه نوع را در خود بازسازی می‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان فضایی که دارای توانایی امکانی برای شکل‌گیری انواع جدیدی از حوزه عمومی است، مطرح می‌شوند.

چارچوب نظری

نظریه حوزه عمومی^۱ هابرماس

مهم‌ترین بحث‌های هابرماس درباره نقش و تأثیر سیاسی رسانه‌ها در نظام‌های دموکراتیک را می‌توان در نخستین اثر معروف وی با عنوان تحول ساختاری حوزه عمومی مشاهده کرد. در این اثر هابرماس با فرمول‌بندی تازه‌ای از مفهوم شناخته‌شده حوزه عمومی از طریق مطالعه تحولات جوامع بورژوا-لیبرال اروپایی در قرون هفدهم و هجدهم، نقشی مؤثر برای رسانه‌های گروهی در رشد و تقویت حوزه عمومی در مراحل اولیه آن قائل شد، نقشی که بعدها با غلبه قدرت‌های اقتصادی و سیاسی کاهش یافت و عملاً منجر به آنچه گردید که وی «فتوئالی‌سازی^۲» این عرصه خواند.

هابرماس در کتاب تحول ساختاری حوزه عمومی، مفهومی هنجاری از حوزه عمومی عرضه می‌کند و آن را بخشی از زندگی اجتماعی می‌خواند که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره اموری پردازند که از نظر ایشان برای تأمین مصالح عامه اهمیت دارد و از این طریق است که افکار عمومی شکل می‌گیرد (Velibeyoglu, 1999: 2). حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در

1. Public Sphere
2. Feudalization

❖ چارچوب کلی نظریه‌های هابرماس درباره‌ی کنش ارتباطی و گفتگو جای دارد. هابرماس خود حوزه‌ی عمومی را چنین تعریف می‌کند: «مقصود ما از حوزه‌ی عمومی قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی ماست که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود می‌تواند شکل بگیرد.» در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی برای ایجاد مجمعی عمومی گردهم می‌آیند بخشی از حوزه‌ی عمومی به‌وجود می‌آید (Habermas, 1989: 27).

این حوزه‌ی عمومی هنگامی پدید می‌آید که مردم برای بحث درباره‌ی موضوعات مورد علاقه‌ی مشترک گردهم می‌آیند. حوزه‌ی عمومی او بازارچه یا قهوه‌خانه یا یک سالن اجتماعات یا یک سازمان یا روزنامه نیست بلکه از این تریبون‌های فیزیکی فراتر می‌رود. در نظر او حوزه‌ی عمومی سخنگاهی است برای گفتگو کردن و تبادل ایده‌ها به منظور شکل دادن به نوعی اجماع عقیده‌ی عقلانی که در آن همه‌ی ادعاها از طریق گفتمان عقلانی مورد نقد و قبول یا رد قرار بگیرند. موضوع مطالعه‌ی او فردی است دارای عقل انتقادی که می‌تواند به کمک این عقل از کنترل نیروهای غیر عقلانی بیرونی رهایی یابد و از حقوق خود در زمینه‌ی آزادی بیان، آزادی نشر و آزادی تجمع استفاده کند. این‌گونه افراد هستند که حوزه‌ی عمومی را به معنای حقیقی آن تشکیل می‌دهند. از این طریق حوزه‌ی عمومی به عرصه‌ی برقراری روابط گفتگویی و تبادل نظر درباره‌ی علایق عمومی ارتقا می‌یابد (میناوند، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

حوزه‌ی عمومی بخشی از آن فضایی است که در ورای نفوذ عناصر سیستمی نظیر دولت، اقتصاد و کلیسا قرار دارد و در آن کنش ارتباطی در تقابل با منطق کارکردی سیستم به جریان می‌افتد. بر این اساس حوزه‌ی عمومی را می‌توان نوعی ساختار ارتباطی دانست که در شبکه‌ی جمعی جامعه‌ی مدنی ظهور می‌کند. به بیان دیگر، حوزه‌ی عمومی یک عرصه‌ی فضایی - زمانی است که در آن شهروندان فعالانه گردهم می‌آیند

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

تا آزادانه به گفتگوی باز سیاسی بپردازند. بر این اساس حوزه عمومی نه یک سازمان است و نه یک مؤسسه یا نهاد، بلکه بایستی آن را به عنوان شبکه‌ای برای تبادل اطلاعات، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرها بین شهروندان دانست. بنابراین حوزه عمومی عرصه ارتباطات و شکل‌گیری عقاید است. در حوزه عمومی جریان‌های ارتباطی شکل می‌گیرد و نظر افراد غربال و ترکیب می‌شود، به روشی که در نهایت منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای مشترک برآمده از همایش‌های شهروندان به نام افکار عمومی می‌گردد.

رسانه‌های نوین و حوزه عمومی

هابرماس نقش رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اطلاعاتی را در جامعه به عنوان سه کار اصلی تشکیل‌دهنده، محافظ و سالم سازنده حوزه عمومی برمی‌شمارد. همچنین اضافه می‌کند که در اواخر سده بیستم، حاکمیت مطلق اندیشه‌های مبتنی بر نفع‌پرستی بنگاه‌های اقتصادی، جهانی شدن اقتصاد، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و تک قطبی شدن حاکمیت قدرت‌های بین‌المللی سبب نابودی حوزه عمومی شده است. هابرماس از این پدیده به عنوان «فئودالی‌سازی دوباره»^۱ نام می‌برد (ویستر، ۱۳۸۰: ۲۱۶ - ۲۱۴). هابرماس معتقد است که تظاهر این وضعیت از تغییرات در سیستم‌های ارتباط جمعی ناشی می‌شود. در طول سده بیستم، رسانه‌های جمعی به سازمان‌های سرمایه‌داری انحصاری تبدیل شده‌اند و از رهگذر آن سهم رسانه‌ها به عنوان ناشران معتبر اطلاعات در قلمرو حوزه همگانی کاهش و در حین اینکه به بازوی منافع سرمایه‌داری تبدیل شده‌اند، به سمت افکار عمومی فئودالی و فاصله گرفتن از فناوری و عرضه اطلاعات درست، تغییر ماهیت داده‌اند.

1. Refeudalistion

هابرماس برای بسط تئوری خود و تشریح کامل آن از مفهومی تحت عنوان «مدیریت اطلاعات» استفاده می‌کند و از مدیریت اطلاعات به عنوان نشانه‌ای از نابودی حوزه عمومی یاد می‌کند. او همچنین ترویج تبلیغات، اقناع، مدیریت افکار عمومی و رشد سرسام‌آور آگهی‌های بازرگانی را دلیلی بر غلبه غیرسازنده محتوای رسانه‌های جمعی و از میان رفتن حوزه عمومی می‌داند. به اعتقاد او این روند در نهایت به انقیاد افکار عمومی در تار و پود امور بی‌ارزش خواهد انجامید. در نهایت هابرماس سه جنبه از مدیریت اطلاعات را که شامل بسته‌بندی، ارعاب و سانسور است، همراه با بازاریبوشی‌های دولت که آن روی دیگر چنین سکه‌ای می‌شناسد به عنوان عوامل عمده در نابودی حوزه عمومی بر اثر مدیریت اطلاعات تلقی می‌کند (همان: ۲۷۹-۲۷۸).

بنابراین می‌توان گفت که هابرماس نسبت به نقش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و نظام اطلاع‌رسانی مدرن در تقویت حوزه عمومی و گفتگوهای آزاد و انتقادی، دیدگاه تأییدآمیزی ندارد، زیرا ارتباطات گسترده معاصر را حاوی مقدار زیادی اطلاعات تحریف‌شده می‌داند که بر اصول تجاری و سرگرمی‌هایی تکیه دارند که ابتدال و گریز از واقعیت، محتوای اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. هابرماس رفع این معضل را در این می‌بیند که با گسترش عقلانیت ارتباطی و سیطره آن بر عقلانیت ابزاری زمینه‌ای ایجاد شود که در آن حوزه عمومی از رشد و پویایی لازم برخوردار شده به طوری که یک نوع وفاق تفاهمی بر سر اصول و قواعد جمعی عام حاصل شود که این امر خود زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی هویت جمعی عام اقناعی، در سطح جهانی خواهد بود (هابرماس، ۱۳۸۰: ۶۷).

محدودیت‌های دسترسی به حوزه عمومی مجازی

در این بخش باید رابطه میان دو متغیر را بررسی کرده و ببینیم حوزه عمومی

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

مجازی شبکه‌های اجتماعی چگونه گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. چنان‌که در آغاز بحث اشاره شد، ادعای نوشتار حاضر این است که ارتباط و تأثیر محدود و مخدوش‌کننده مورد نظر به واسطه حوزه عمومی مجازی ناشی از شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. فضا یا حوزه عمومی مجازی نامبرده در عین حال که گستره فراخی است برای جریان و تبادل نشانه‌های فرهنگی بسیار پرشمار و گوناگون، نقش و تأثیر محدود و مخدوش‌کننده هم دارد.

نقش و تأثیر مورد نظر، به ماهیت، ساختار و ویژگی‌های حوزه عمومی مجازی مربوط می‌شود. این حوزه عمومی دارای ساختار و ویژگی‌هایی است که امکان ورود به آن و گفتگو در درون آن را محدود و مخدوش می‌کند. گرچه این حوزه می‌تواند عرصه فراخ مناسبی باشد برای دادوستدهایی که میزان آگاهی افراد و گروه‌ها از تنوع و تعدد فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی و همزیستی و آمیزش فرهنگی را بالا می‌برد، برخی عوامل مربوط به ساختار و ماهیت آن، توانایی مورد نظر را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد. شناسایی این گونه ویژگی‌ها و بیان چگونگی تأثیر محدود و مخدوش‌کننده آنها محور اصلی بحث در ادامه خواهد بود.

به‌طور کلی این ویژگی‌ها یا عوامل دارای تأثیر منفی بر گفتگو میان فرهنگ‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته عواملی هستند که دسترسی و ورود به حوزه عمومی را محدود می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که افراد یا گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف یا دیگر نمایندگان این فرهنگ‌ها امکان و فرصت نسبتاً برابری برای راهیابی به سایبراسپیس یا حوزه عمومی مجازی داشته باشند. دسته دیگر هم عواملی هستند که به شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون از شکل‌گیری دادوستد یا گفتگوی منجر به آگاهی فرهنگی، نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی

❖ در چارچوب حوزه عمومی مجازی جلوگیری می‌کنند یا در فرایند چنین دادوستدی خلل ایجاد می‌کنند. عوامل دسته نخست به پیش‌نیازهای گفتگو مربوط می‌شوند، ولی عوامل دسته دوم به خود گفتگو؛ به ترتیب درباره هر دو دسته سخن خواهیم گفت. چنان‌که بیان شد عوامل دسته اول معطوف به عواملی است که به شیوه‌های مختلف امکان و احتمال دسترسی و راهیابی نسبتاً برابر نمایندگان فرهنگ‌های مختلف به حوزه عمومی مجازی را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر، این‌گونه عوامل باعث می‌شوند تا فرهنگ‌های موجود حضور کم و بیش برابری در حوزه عمومی نداشته باشند و صدای برخی فرهنگ‌ها کمتر به گوش برسد یا اصلاً به گوش نرسد. البته خود این محدودیت نتیجه دو عامل است (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

نخستین عامل به امکانات و ابزارهای لازم برای ورود به حوزه عمومی مجازی و شرکت در گفتگوی فرهنگی مربوط می‌شود. اگرچه ورود به حوزه عمومی واقعی هم تا حدودی نیازمند امکانات و ابزارهایی هر چند ساده و اولیه بوده و هست و توزیع نابرابر این امکانات و ابزارها تأثیر منفی بر حضور و گفتگو در آن حوزه می‌گذارد، این امر درباره حوزه عمومی مجازی اهمیت بیشتری دارد، زیرا راهیابی به چنین حوزه‌ای کاملاً به ابزارها و امکاناتی بسیار پیشرفته‌تر و البته گران‌قیمت‌تر وابسته است.

هر چند فضای مجازی چونان فضایی تلقی می‌شود که هرکس می‌تواند به آن راه یابد، در عالم واقع این فضا برای همه قابل دسترس نیست، زیرا ابزارها و امکانات لازم برای راهیابی به آن به صورتی نابرابر توزیع شده است. این نابرابری برپایه شکاف‌ها و مرزهای جغرافیایی، اقتصادی - طبقاتی، سیاسی (فراملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی)، اجتماعی (سن و جنس) و فرهنگی شکل گرفته است. فرایند شکل‌گیری، بازتولید و تأثیر این نابرابری بسیار پیچیده است، ولی به‌طور کلی

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

می توان گفت که امروزه انسان‌های متعلق به حوزه‌های جغرافیایی، کشورها، طبقه‌ها، جنس‌ها و فرهنگ‌های مختلف به میزان برابری امکانات و ابزارهای راهیابی به حوزه عمومی مجازی را ندارند (Loader, 1998: 35).

به همین دلیل برخی پژوهشگران از نخبه‌گرایی یا نخبه‌پروری سایبراسپیس سخن می‌گویند: «سایبراسپیس نوعی فضای متعلق به نخبگان است، زمینی است برای بازی ثروتمندان» (Hess, 1995: 116).

دومین عامل به پیش‌نیازهای مهارتی ورود به حوزه عمومی مجازی مربوط می‌شود حتی اگر ابزارها و امکانات ورود به حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی به‌صورت نسبتاً برابری توزیع شده باشد، حضور برابر در این حوزه تضمین نخواهد شد، زیرا استفاده از ابزارها و امکانات نامبرده مستلزم مهارت‌هایی است. هر اندازه این مهارت‌ها نابرابر توزیع شده باشد، حضور در حوزه عمومی مجازی به همان اندازه نابرابر خواهد بود.

هر چند این امر در مورد حضور در حوزه عمومی واقعی نیز صادق است، درباره حوزه عمومی مجازی تأثیر و اهمیت بیشتری دارد. بی‌گمان تلاش‌های چشمگیری صورت می‌گیرد تا کاربرد امکانات و ابزارهای ارتباطاتی - اطلاعاتی، از جمله ابزارها و امکانات لازم برای ورود به حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی، بیش از پیش برای کاربران آسان شود. ولی با وجود این، امروزه استفاده مناسب از حتی ساده‌ترین امکانات یا ابزار نیازمند حداقلی از مهارت است. درست است که کاربرد فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی ساده و حتی بومی شده، حداقلی از سواد و آموزش لازم است تا بتوان از طریق آن فناوری‌ها به حوزه عمومی مجازی راه یافت. توزیع این‌گونه پیش‌نیازها نیز بسیار نابرابر است. این نابرابری صرفاً بر پایه حد و مرزهای فرهنگی شکل نگرفته است و نابرابری‌های طبقاتی، جنسی، ملی و

❖ سیاسی را هم دربر می‌گیرد (Wilhelm, 2000: 6-7). ولی در موارد زیادی نابرابری‌های غیرفرهنگی با نابرابری‌های فرهنگی انطباق دارد یا آنرا تقویت می‌کند. بنابراین، به‌طور کلی میزان مهارت‌های افراد و گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های خاص که درجه نخست همان فرهنگ غربی است بسیار بیشتر از افراد و گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های دیگر است (Clement, 1998: 64).

بدین ترتیب می‌بینیم که پیش‌نیازهای مهارتی ورود به حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی نیز مانند پیش‌نیازهای ابزاری به‌صورتی نابرابر توزیع شده است. عوامل یادشده به این معنا محدودکننده هستند که به شیوه‌های مختلف از دسترسی نسبتاً برابر نمایندگان فرهنگ‌های مختلف به حوزه عمومی جلوگیری می‌کنند. تحت تأثیر این عوامل حوزه عمومی مجازی که عرصه‌ای بسیار فراخ است و می‌تواند نشانه‌ها و نماینده‌های فرهنگی بسیار گوناگون و پرشمار را دربرگیرد، به فضایی تبدیل می‌شود که بخش عمده‌ای از آنرا فرهنگ‌های خاصی اشغال می‌کنند و بسیاری فرهنگ‌ها در حاشیه آن قرار می‌گیرند یا اصلاً نمی‌توانند به درون آن راه یابند.

بدون شک این محدودیت، محدودیت گفتگو میان فرهنگ‌هاست. اگر یکی از عناصر ویژگی‌بخش گفتگوی فرهنگ‌ها را هرگونه تبادل یا دادوستد نشانه‌های فرهنگی بدانیم که میزان آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی را افزایش دهد، حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای این مهم فراهم نمی‌کند، زیرا عوامل نامبرده از حضور فرهنگ‌های مختلف در این حوزه تا حدود زیادی جلوگیری می‌کنند. به بیان دیگر، در حوزه عمومی مجازی نشانه‌ها و حضور برخی فرهنگ‌ها بسیار بیشتر است و این واقعیت تأثیر منفی و محدودکننده بر آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی و بنابراین، گفتگو میان فرهنگ‌ها می‌گذارد.

گفتگوی مخدوش در حوزه عمومی مجازی

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

دسته دوم عوامل ویژگی بخش حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی که بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها تأثیر منفی می‌گذارند به خود فرایند گفتگو در درون این حوزه مربوط می‌شوند. در حالی که عوامل دسته اول به واسطه جلوگیری از دسترسی کم و بیش برابر فرهنگ‌های مختلف چنین تأثیری می‌گذارند، عوامل دسته دوم خود گفتگو را محدود و مخدوش می‌کنند. عوامل دسته اول امکانات و زمینه ورود به حوزه عمومی و شرکت در گفتگو را محدود می‌کنند ولی تأثیر محدود و مخدوش‌کننده عوامل دسته دوم در فرایند گفتگو آشکار می‌شود. باید بینیم این عوامل چه عواملی هستند و چگونه تأثیر محدود و مخدوش‌کننده دارند.

نخستین عامل از دسته دوم عوامل محدود و مخدوش‌کننده را می‌توان تنوع‌گریزی نامید. با وجود اینکه فرهنگ‌های مختلف حضور نسبتاً برابری در سایبراسپیس یا حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی ندارند، می‌توان گفت که این حوزه تا حدودی دربرگیرنده عناصر و نشانه‌های فرهنگی گوناگون است. هرچند حوزه عمومی مجازی نماینده راستین همه فرهنگ‌های موجود نیست، اما کم و بیش شمار زیادی از فرهنگ‌ها را نمایندگی می‌کند. ولی مسئله این است که این تنوع اندک و حداقل هم انسان‌ها را به گفتگوی فرهنگی، به‌ویژه از لحاظ آگاهی - بیشتر - از تعداد و تنوع فرهنگی، رهنمون نمی‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که برخی دشواری‌های مربوط به حوزه عمومی مجازی، به‌ویژه دشواری پردازش اطلاعات، مانع از آن می‌شوند تا انسان‌ها به بخش‌های جدید متفاوت و متنوع فضای مجازی بروند. به همین دلیل ادعا می‌شود که هر چند «دوست» پیدا کردن در دنیای مجازی بسیار آسان‌تر از دنیای واقعی است، برخورد

❖ با انسان‌های متفاوت بسیار دشوارتر است. در چنین دنیایی انسان‌ها اغلب مستقیماً به جایی می‌روند که موضوع مورد علاقه آنان با انسان‌هایی آشنا که علایق و احساسات مشترکی با آنها دارند مورد بحث قرار می‌گیرد (Rheingold, 1995: 62).

به همین دلیل، فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی هم مانند دنیای واقعی مکانی نیست که در آن شما وارد شبکه شگفت‌آوری از انسان‌ها، محل‌ها و آرا و افکار جدید بشوید. فرد با انسان‌های متعلق به هر نوع جوامع و اوضاع زندگی برخورد نمی‌کند، زیرا انسان‌ها و پوشه‌های بسیار فراوانی وجود دارد. آنجا شاید تنوع وجود داشته باشد... ولی واقعیت مسلم این است که فرد معمولی با آن تنوع برخورد نخواهد کرد، زیرا با یک مغز، یک شغل، یک شریک، یک خانواده و یک زندگی، هیچ کس فرصتی برای ورود به دنیای متنوع ندارد (Kadi, 2004: 59).

به این ترتیب حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی، گفتگوی میان فرهنگ‌ها را محدود و محدود می‌کند، زیرا بستر مناسبی برای دادوستد یا تبادل نشانه‌های فرهنگی منجر به افزایش آگاهی از تنوع و تعدد فرهنگی فراهم نمی‌کند. عامل دیگری که باعث می‌شود تا حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی گفتگو و بنابراین گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و محدود کند از وجود نوعی اضطراب در ارتباطات دیجیتالی یا گفتگو در دنیای مجازی ناشی می‌شود. به بیان روشن‌تر، برای اینکه گفتگویی واقعی میان فرهنگ‌ها صورت گیرد گفتگویی همراه با آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی باید نه تنها نشانه‌ها به صورت کامل رد و بدل شوند، بلکه باید فرصت و امکان تأمل درباره این نشانه‌ها نیز وجود داشته باشد. ولی حوزه عمومی مجازی چنین زمینه‌هایی را به خوبی تأمین نمی‌کند (Streck, 2000: 44).

در نگاه نخست به نظر می‌رسد سایبراسپیس باید فضای مناسبی برای دادوستد

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۲

بی‌کم و کاست نشانه‌های فرهنگی و تأمل درباره آنها باشد، ولی واقعیت بسیار متفاوت است. در حالی که رشته‌های ارتباطی موجود در سایبراسپیس ممکن است برای همیشه برقرار باشند، معمولاً نشانه‌های فرهنگی را به صورت کامل مبادله نمی‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه هر چند دلیلی فنی وجود ندارد تا افراد را به پاسخ یا واکنش سریع و هم‌زمان وادارد، واقعیت این است که ارتباط دیجیتالی، به‌ویژه از طریق اینترنت، نوعی اضطراب ایجاد می‌کند. به بیان دیگر اینترنت امکان ارتباط هم‌زمان را ایجاد می‌کند و به همین دلیل احساس می‌کنیم که باید به صورت هم‌زمان ارتباط برقرار کنیم (Stoll, 1995: 167).

همین اضطراب‌آمیز بودن و هم‌زمان بودن ارتباط در حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود تا این حوزه عرصه مناسبی برای گفتگو نباشد و به همین دلیل گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش کند. گفتگوی میان فرهنگ‌ها عبارت است از تبادل نشانه‌های فرهنگی که با نقد و نقدپذیری فرهنگی همراه باشد. ولی اگر، به دلیل همان احساس اضطراب و لزوم ارتباط هم‌زمان، تأمل درباره نشانه‌های مبادله‌شده دشوار باشد، چنان تبدیلی به سختی می‌تواند نقد و نقدپذیری فرهنگی را افزایش دهد. ارتباط در حوزه عمومی مجازی نه تنها با هم‌زمانی، سرعت و اضطراب ویژگی می‌یابد، بلکه دربرگیرنده نوعی آزادی بیش از حد نیز است که بخشی از تأثیر محدود و مخدوش‌کننده حوزه عمومی مورد نظر به همین ویژگی مربوط می‌شود. هرچند آزادی شرط لازم هرگونه ارتباط و گفتگوی سالم و سازنده است، باید گفت که آزادی موجود در سایبراسپیس نوعی آزادی بی‌مهار است؛ آزادی‌ای است برای نادیده گرفتن دیگران و گوش ندادن به حرف آنان. این گونه آزادی نتیجه برخی ویژگی‌های فنی و غیرفنی حوزه عمومی مجازی

❖ است که می‌توان با عناوینی مانند ناشناختگی، ردیابی ناپذیری نسبی و بنابراین رهایی از مجازات بیان کرد. امروزه ساختار فنی و غیرفنی حوزه عمومی مجازی این امکان را تا حدود زیادی برای کاربران فراهم می‌کند تا بتوانند از چنگ نظام‌های نظارتی مختلف رهایی پیدا کنند. مثلاً یک فرد می‌تواند به‌گونه‌ای از اینترنت استفاده کند که ردیابی او بسیار دشوار و پرهزینه یا حتی ناممکن باشد. بنابراین، حوزه عمومی مجازی به فضای بسیار فراخی تبدیل می‌شود که می‌توان به‌صورت ناشناخته در آن سیر کرد و فارغ از مسئولیت و مجازات، هرگونه نیت و خواست خود را در آن بیان کرد. بی‌گمان آزادی ناشی از این‌گونه ناشناختگی، ردیابی ناپذیری و مجازات‌گریزی، تأثیر منفی بر گفتگو و گفتگوی میان فرهنگ‌ها می‌گذارد. ویژگی‌های نامبرده باعث می‌شوند تا حوزه عمومی مجازی به عرصه‌ای برای عرضه دیدگاه‌ها و درخواست‌های بسیار افراطی تبدیل شود. در چنین فضایی آزادی بیان معنای اصلی خود را از دست می‌دهد و تعهد به این ارزش متعالی مورد تهدید قرار می‌گیرد. به بیان روشن‌تر، آزادی بیان در حوزه عمومی مجازی به‌صورت آزادی برای گفتن و البته گفتن هر چیزی درمی‌آید، بدون پایبندی به شنیدن. ولی گفتگو دربرگیرنده دو عنصر گفتن و شنیدن است که هر دو به یک اندازه ارزش و اهمیت دارند. اگر افراد یا فرهنگ‌های موجود در حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی بتوانند و بخواهند به سخن دیگران گوش ندهند، گفتگو محلی از اعراب نخواهد داشت. در چنین شرایطی حضور نشانه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف در حوزه عمومی مجازی چندان به افزایش آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی نمی‌انجامد. پس این ویژگی حوزه عمومی مجازی شبکه‌های اجتماعی (آزادی نامحدود و مسئولیت‌ناپذیر) نیز گفتگوی میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کند.

نتیجه‌گیری

حوزه عمومی یک عرصه فضایی- زمانی است که در آن شهروندان فعالانه گرد هم می‌آیند تا آزادانه به گفتگوی باز سیاسی بپردازند. بر این اساس حوزه عمومی نه یک سازمان است و نه یک مؤسسه یا نهاد بلکه بایستی آن را به‌عنوان شبکه‌ای برای تبادل اطلاعات، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرها بین شهروندان دانست. در واقع حوزه عمومی، عرصه ارتباطات و شکل‌گیری عقاید است. در حوزه عمومی جریان‌های ارتباطی شکل می‌گیرد و نظر افراد غربال و ترکیب می‌شود، به روشی که در نهایت منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای مشترک برآمده از همایش‌های شهروندان به نام افکار عمومی می‌گردد. اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را گفتگو، افکار عمومی و واکنش بدانیم، شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه یک رسانه جدید، بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از آنهاست. افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود بپردازند و از این طریق افکار عمومی به‌عنوان صدای مردم شکل بگیرد و هر یک می‌توانند در مخالفت با یک مسئله و موضوعی اجتماعی و سیاسی دست به کنش مناسب بزنند. هابرماس نسبت به نقش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و نظام اطلاع‌رسانی مدرن در تقویت حوزه عمومی و گفتگوهای آزاد و انتقادی، دیدگاه مثبت و تأییدآمیزی ندارد، زیرا ارتباطات گسترده معاصر را حاوی مقدار زیادی اطلاعات ناموثق و تحریف‌شده می‌داند که بر اصول تجاری و سرگرمی‌هایی تکیه دارند که ابتذال و گریز از واقعیت، محتوای اصلی آنها را تشکیل می‌دهد.

هر چند افزایش و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان و زمینه گفتگو (میان فرهنگ‌ها) را ارتقاء می‌دهند، تأثیر محدود و محدودش‌کننده هم دارند و

❖ در مقاله حاضر صرفاً به عوامل و شرایط محدود و محدودش‌کننده پرداختیم. به‌طور کلی ویژگی‌ها یا عوامل دارای تأثیر منفی بر گفتگو میان فرهنگ‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته عواملی هستند که دسترسی و ورود به حوزه عمومی را محدود می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که افراد یا گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف یا دیگر نمایندگان این فرهنگ‌ها امکان و فرصت نسبتاً برابری برای راهیابی به سایر اسپیس یا حوزه عمومی مجازی داشته باشند. دسته دیگر هم عواملی هستند که به شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون از شکل‌گیری دادوستد یا گفتگوی منجر به آگاهی فرهنگی، نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی در چارچوب حوزه عمومی مجازی جلوگیری می‌کنند یا در فرایند چنین دادوستدی خلل ایجاد می‌کنند. عوامل دسته نخست به پیش‌نیازهای گفتگو مربوط می‌شوند، ولی عوامل دسته دوم به خود گفتگو. پس همه موارد بیان‌شده نشان‌دهنده اعتبار ادعایی است که سامان‌بخش و محور اصلی این نوشتار است و در پایان دوباره تکرار می‌شود: شبکه‌های اجتماعی مجازی، به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفتگو و بنابراین گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و محدودش می‌کنند. البته این ادعا هرگز به معنای بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آثار مثبت فراوان این گونه فناوری‌ها نیست.

منابع و مأخذ

- خانی جزینی، جمال، (۱۳۸۸). *آداب فضای مجازی*. تهران: سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران.
- دوران، بهزاد، (۱۳۸۶). *هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک*. تهران: پژوهشگاه، فرهنگ هنر و ارتباطات.
- سلطانی فر، محمد، (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک*. تهران: سیمای شرق.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران: طرح نو.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۶). «گفتگو در دنیای مجازی». فصلنامه پژوهش علوم سیاسی، شماره ۴.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۳). «اینترنت و توسعه سیاسی». فصلنامه رسانه، سال پانزدهم، شماره ۳.
- میناوند، محمدقلی، (۱۳۸۷). «مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی». مجله سیاست، شماره ۶.
- ویستر، فرانک، (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*. ترجمه اسماعیل قدیمی. تهران: قصیده سرا.
- هابرماس، یورگن، (۱۳۸۰). *جهانی شدن و آینده دموکراسی - منظومه پساملی*. ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز.

- Boyd, D; Ellison, N. (2007). "Social Network Sites: Definition, History and Scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 133: 210- 230.
- Clement, P.C. (1998). *The State of Net*. New York: McGraw-Hill.
- Habermas, J. (1989). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Cambridge: The MITP.
- Hess, D. J. (1995). *Science and Technology in a Multicultural World*. New York: Columbia University Press.
- Kadi, M. (2004). "Welcome to Cyberbia", Unte Reader March.
- Loader, B.D (ed.) (1998). *The Cyberspace Divided*. London:Routledge.
- Pemek, T., Yermolayeva, Y., Calvert, S. (2009). "College Students' Social Networking Experiences on Facebook ". *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30 : 227-238.
- Rheingold, H. (1995). *The Virtual Communiy*. Unte Reader March.
- Stoll,C. (1995). *Silicon Snake Oil*. New York: Doubleday.
- Streck, J. M. (2000). "Pulling the Plug on Electronic Town Meetings" in Toulouse and Luke (ed.) *The Politics of Cyberspace*, London: Routledge.
- Velibeyoglu, K. (1999). *Public Realm in the Information Age*. Diss. For Ph.D Cadidate at: Izmir Institute of Technology.
- Vrooman, S. (2002). "The art of invective performing identity" in *cyberspace new media and society*, Vol 4, sage publication.
- Wilhelm, A. G. (2000). *Democracy in the Digital Age*. New York: Routledge.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت